

**قالیباف: ایران برای جنگ جاری آماده بود؛ اولویت ما امنیت پایدار است**



رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در سخنانی با تأکید بر «امنیت پایدار» به عنوان اولویت ایران، هشدار داد که ادامه تنش ها با پاسخ‌های گسترده‌تری علیه منافع آمریکا در منطقه همراه خواهد بود.

به گزارش اقتصادسرآمد، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی ایران در گفت‌وگو با شبکه الجزیره اعلام کرد که ایران از پیش برای این رویارویی آماده شده و توانایی خود را در دفاع از خود به خوبی نشان داده است.

وی با اشاره به ماهیت درگیری‌ها، گفت: «این جنگ، جنگ رژیم صهیونیستی است و بی‌ثباتی و خسارت‌هایی که در سطح جهان ایجاد شده، نتیجه آن است.»

قالیباف همچنین تأکید کرد که ایران برای حفظ موجودیت خود ناچار به هدف قرار دادن پایگاه‌ها و منافع آمریکا در منطقه شده است.

او هشدار داد: «هرگونه افزایش تنش علیه ایران با پاسخ قاطع و گسترده علیه منافع آمریکا در منطقه مواجه خواهد شد.»

رئیس مجلس در ادامه با تأکید بر اهمیت ثبات منطقه، افزود: «حفظ امنیت منطقه به سود کشورهای آن است و امنیت پایدار، اولویت ما است.»

وی همچنین خاطر‌نشان کرد که کشورهای منطقه می‌توانند بدون دخالت خارجی و از طریق توافق‌های دوجانبه و چندجانبه، منافع خود را تأمین کنند.

قالیباف در ادامه تأکید کرد که برای دستیابی به ثبات، باید عوامل اصلی ناامنسی در منطقه برطرف شود و ساختار امنیتی بدون حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل بگیرد.

به گزارش ایرنا، تجاوز نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران از بامداد روز نهم اسفند ۱۴۰۴ (۲۸ فوریه ۲۰۲۶) آغاز شد؛ این اقدام در حالی صورت گرفت که مذاکرات غیرمستقیم میان ایران و آمریکا با میانجی‌گری برخی کشورهای منطقه در جریان بود.

جمهوری اسلامی ایران در پی آغاز تجاوز نظامی مشترک آمریکا و رژیم صهیونیستی، پاسخی قاطع، هدفمند و متناسب به این اقدام ارائه داد. در چارچوب این پاسخ مشروع، مواضع نظامی و امنیتی رژیم صهیونیستی در شهرهای مختلف فلسطین اشغالی و همچنین پایگاه‌ها و مراکز استقرار نیروهای آمریکایی در منطقه با حملات موشکی، پهپادی و هوایی دقیق هدف قرار گرفت.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی ایران تأکید کرده‌اند این عملیات‌ها در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع طبق ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و با هدف بازدارندگی، جلوگیری از تداوم تجاوز و تحمیل هزینه به متجاوزان انجام شده است. جمهوری اسلامی ایران هشدار داده است که هرگونه تداوم یا گسترش تجاوز، با پاسخی شدیدتر و گسترده‌تر مواجه خواهد شد.



دشواری فراوان همراه بوده، به طور کامل معکوس کرده و آن را مجدداً به یک چالش مزمن و پایدار تبدیل نماید. دامنه اثرات این شوک انرژی، که ماهیتی چندلایه دارد، محدود به افزایش مستقیم هزینه سوخت نخواهد ماند؛ بلکه از طریق زنجیره‌ای از اثرات ثانویه، شامل افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل، اختلال در زنجیره‌های تأمین بین‌المللی، بالا رفتن بهای تولید نهاده‌های کلیدی کشاورزی مانند کودهای شیمیایی و در نهایت افزایش هزینه‌های فرآوری مواد غذایی، به تدریج به یک عامل سیستماتیک و فراگیر در اقتصاد جهانی مبدل شده است. این نهاد مالی بین‌المللی هشدار می‌دهد که جهان هنوز از بحران‌های تورمی ناشی از همه‌گیری کرونا و مناقشات اوکراین کاملاً فاصله نگرفته و هرگونه جهش مجدد در قیمت حامل‌های انرژی، می‌تواند

روند نزولی تورم را که به سختی به دست آمده، معکوس کرده و بار دیگر آن را به یک معضل مزمن و پایدار تبدیل کند. پیامدهای این شوک چندلایه، صرفاً به افزایش هزینه سوخت محدود نخواهد شد، بلکه از طریق بسالارفتن هزینه‌های حمل‌ونقل، زنجیره‌های تأمین، تولید نهاده‌های کشاورزی و فرآوری مواد غذایی، به تدریج فراگیرتر در تمام بخش‌های اقتصادی سرایت خواهد کرد. اقتصادهایی که وابستگی انرژی دارند، در خط مقدم آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند، زیرا هرگونه افزایش در قیمت نفت خام، مستقیماً بر شاخص قیمت مصرف‌کننده (CPI) تأثیر گذاشته و بانک‌های مرکزی را تحت فشاری مضاعف برای اتخاذ سیاست‌های انقباضی و افزایش نرخ بهره قرار می‌دهد. این وضعیت، کنترل تورم را از یک مسئله صرفاً پولی به چالشی بغرنج در ابعاد بودجه‌ای، اجتماعی و سیاسی بدل می‌سازد. در این میان، موقعیت حیاتی و ژئواستراتژیک تنگه هرمز به عنوان یکی از مهم‌ترین گلوگاه‌های آبی جهان برای انتقال انرژی، لایه دیگری از پیچیدگی و نگرانی را به تصویر می‌افزاید. هرگونه اختلال یا محدودیت در عبور و مرور نفتکش‌ها از این تنگه استراتژیک، می‌تواند عرضه جهانی نفت را به شدت تحت فشار قرار داده و به طور مستقیم در تشدید بحران انرژی، به آن اشاره دارد، نقش ایفا کند. این تقاطع میان جغرافیای سیاسی منطقه و جغرافیای تورم و بدهی جهانی، اقتصادهای با سطح بدهی بالا، به ویژه کشورهای در حال توسعه را در برابر این شوک‌های نوظهور در موقعیتی بسیار شکننده و آسیب‌پذیر قرار می‌دهد. پیامدهای احتمالی شامل افزایش چشمگیر هزینه بازپرداخت بدهی‌های دولتی، کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمومی حیاتی، کند شدن روند رشد اقتصادی، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و افزایش احتمال بروز ناآرامی‌ها و بی‌ثباتی‌های داخلی خواهد بود که می‌تواند ثبات اقتصادی و سیاسی جهانی را تهدید کند.

همچنین، صندوق بین‌المللی پول به طور خاص بر آسیب‌پذیری فزاینده اقتصادهای بدهکار در برابر شوک‌های جدید تأکید می‌کند و هشدار می‌دهد که کشورهای که پیش از این با کسری بودجه مزمن، بدهی‌های سنگین و وابستگی شدید به واردات انرژی دست و پنجه نرم می‌کرده‌اند، اکنون در معرض خطرات بسیار بیشتری قرار دارند. افزایش نرخ بهره که یکی از ابزارهای اصلی برای مهار تورم محسوب می‌شود، در این کشورها نه تنها به منظور کنترل قیمت‌ها، بلکه به عنوان عاملی تشدیدکننده بحران بدهی عمل خواهد کرد؛ چرا که هزینه خدمت بدهی (پرداخت بهره بدهی‌ها) را به طور قابل‌توجهی افزایش داده و فشار مضاعفی بر بودجه‌های ملی وارد می‌آورد. این وضعیت می‌تواند منجر به اتخاذ تصمیمات دشوار در خصوص کاهش هزینه‌های عمومی، از جمله کاهش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های توسعه‌ای، خدمات اجتماعی و بخش‌های مولد اقتصادی شود. نتیجه محتمل این روند، یک چرخه معیوب شامل کاهش رشد اقتصادی، تشدید فقر و نابرابری، و افزایش خطر بروز بحران‌های مالی و بدهی خواهد بود که می‌تواند دامنه اثرات خود را به ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی

#### «پیامدهای مالی جنگ»از جهش انرژی تا بازگشت تورم مزمن

صندوق بین‌المللی پول در ارزیابی‌های اخیر خود، زنگ خطری جدی در خصوص پیامدهای اقتصادی گسترده بحران‌های ژئوپلیتیکی در منطقه غرب آسیا به صدا درآورده است. درگیری‌های جاری در این کانون استراتژیک، فراتر از تبعات امنیتی و محدود به مرزهای منطقه‌ای، به تدریج به یک عامل فراگیر و سیستماتیک در تار و پود اقتصاد جهانی بدل شده است. همانطوریکه در مقدمه این نوشته آمده است؛ این نهاد مالی بین‌المللی با قاطعیت هشدار می‌دهد که اقتصاد جهانی هنوز از گرداب تورم‌های ناشی از شوک‌های همه‌گیری کرونا و مناقشات پیشین در اوکراین کاملاً رهایی نیافته است و هرگونه جهش دوباره در قیمت حامل‌های انرژی، می‌تواند روند نزولی تورم را که دستیابی به آن با



فریدباغری - اقتصاد سرآمد

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

# تشدید تورم و بحران بدهی‌های بین‌المللی باتداوم جنگ رمضان

## «شوک انرژی در کمین اقتصاد جهان» اثرات اختلال در مسیرهای حیاتی نفت

گسترش دهد. در چنین شرایطی، صندوق بین‌المللی پول بر ضرورت اتخاذ رویکردی محتاطانه و مبتنی بر «مدیریت مالی دقیق» و ارائه «حمایت‌های هدفمند» تأکید می‌ورزد. این نهاد پیشنهاد می‌کند که یارانه‌ها و کمک‌های مالی دولت‌ها باید به جای پوشش عمومی و ناکارآمد، به طور دقیق بر اقشار و بخش‌های واقعاً آسیب‌پذیر و نیازمند متمرکز شود تا از هدررفت منابع و ایجاد اعوجاج در بازار جلوگیری گردد. بنابراین، پیام اساسی صندوق بین‌المللی پول این است که تنش‌های اخیر در غرب آسیا، یک «تست استرس» (آزمون فشار) حیاتی برای اقتصاد جهانی و نظام مالی بین‌المللی به شمار می‌رود. کشورهایی که دارای سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی مضبوط، ذخایر ارزی قابل‌انکاد، راهبردهای مؤثر برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی و سیستم‌های حمایتی اجتماعی هستند و کارآمد هستند، شانس بیشتری برای عبور سالم از این دوره پرریسک خواهند داشت. در مقابل، دولت‌هایی که با چالش‌های ساختاری مانند بدهی بالا، کسری بودجه مزمن، و وابستگی شدید به واردات انرژی دست و پنجه نرم می‌کنند، بدون انجام اصلاحات اساسی و بنیادین، پیش از آنکه بتوانند بحران را مدیریت کنند، با تشدید بدهی مواجه می‌شوند. در این میان، اقتصادهای نوظهوری که بدهی‌های خارجی قابل‌توجهی دارند، بیش از سایرین در معرض خطر خروج سرمایه و کاهش ارزش پول ملی خود قرار می‌گیرند، که این امر تورم وارداتی را تشدید کرده و فشار بر ذخایر ارزی را افزایش می‌دهد. پیامدهای این وضعیت می‌تواند شامل کند شدن شدید رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و کاهش توانایی دولت‌ها در ارائه خدمات اساسی به شهروندان باشد. به طور خلاصه، افزایش نرخ بهره جهانی، در کنار فشارهای تورمی ناشی از بحران‌های انرژی، اقتصادهای بدهکار را در معرض یک «طوفان کامل» قرار داده است که نیازمند مدیریت دقیق، سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و احتمالاً بازنگری در استراتژی‌های بدهی و تأمین مالی است تا از سقوط در ورطه بحران‌های بودجه‌ای و مالی جلوگیری شود.

در مواجهه با این چالش‌های فزاینده، اقتصادهای بدهکار با واقعیتی تلخ روبرو هستند: افزایش نرخ بهره نه تنها هزینه‌های جاری دولت‌ها را بالا می‌برد، بلکه چشم‌انداز رشد اقتصادی آینده را نیز تیره و تاریک می‌کند. این وضعیت، مدیریت بودجه را به یک مأموریت فراقطرس تبدیل کرده است، زیرا دولت‌ها باید بین نیاز فوری به کنترل تورم از طریق سیاست‌های انقباضی و ضرورت حفظ سطح معقولی از سرمایه‌گذاری و خدمات عمومی برای جلوگیری از رکود اقتصادی و ناآرامی‌های اجتماعی، تعادل برقرار کنند. کسری بودجه مزمن، که در بسیاری از این کشورها پیش از این نیز یک معضل جدی بوده، با افزایش هزینه‌های بهره، عمق بیشتری یافته و بار مالی سنگین‌تری را بر دوش دولت‌ها می‌گذارد. این امر، توانایی دولت‌ها را برای پاسخگویی به نیازهای اساسی شهروندان، از جمله تأمین خدمات بهداشتی، آموزشی و زیرساخت‌های لازم، به شدت محدود می‌سازد. در چنین شرایطی، نهادهای مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، بر لزوم اتخاذ سیاست‌های مالی محتاطانه، افزایش درآمدهای مالیاتی از طریق اصلاحات ساختاری و اولویت‌بندی هوشمندانه فعالیت‌های اقتصادی را بیشتر سرکوب کند. علاوه بر این، ریسک بحران بدهی، که با افزایش نرخ بهره و کسری بودجه تشدید می‌شود، نیازمند راهکارهای خلاقانه و گاهی اوقات ناخوشایند، از جمله مذاکره مجدد با طلبکاران یا بازنگری در ساختار بدهی‌های دولتی است. در نهایت، اقتصادهای بدهکار در این مقطع حساس، نیازمند یک رویکرد جامع هستند که همزمان به مهار تورم، حفظ ثبات بودجه‌ای، تشویق رشد اقتصادی پایدار و کاهش آسیب‌پذیری در برابر شوک‌های خارجی بپردازد. فقدان یک استراتژی منسجم در این زمینه، می‌تواند این کشورها را به سمت یک چرخه معیوب از بحران‌های بدهی، رکود اقتصادی و بی‌ثباتی اجتماعی سوق دهد.

#### جمع‌بندی و نتیجه‌بحث

اقتصادهای بدهکار با فشاری مضاعف ناشی از افزایش نرخ بهره جهانی و تنش‌های انرژی روبرو هستند که ثبات بودجه‌ای و مالی آن‌ها را به طور جدی تهدید می‌کند. افزایش نرخ بهره، هزینه بازپرداخت بدهی‌های دولتی را به شدت بالا برده و منجر به کسری بودجه مزمن می‌شود، در حالی که بحران انرژی تورم را تشدید کرده و بانک‌های مرکزی را به اتخاذ سیاست‌های انقباضی وامی‌دارد. این وضعیت، رشد اقتصادی را کند کرده، سرمایه‌گذاری را کاهش داده و ریسک بحران بدهی را به ویژه برای کشورهای نوظهوری که بدهی‌های بالایی دارند به طور چشمگیری افزایش می‌دهد. مدیریت این بحران نیازمند سیاست‌های مالی محتاطانه، اصلاحات ساختاری برای افزایش درآمدها و اولویت‌بندی هوشمندانه هزینه‌ها است. در غیر این صورت، این کشورها در معرض خطر رکود اقتصادی، افزایش بیکاری، نابرابری‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی قرار خواهند گرفت. بنابراین، اتخاذ رویکردی جامع و پیشگیرانه برای مدیریت همزمان تورم، کسری بودجه و بدهی، امری حیاتی برای حفظ ثبات اقتصادی و جلوگیری از سقوط در ورطه بحران‌های عمیق‌تر است.

گسترش دهد. در چنین شرایطی، صندوق بین‌المللی پول بر ضرورت اتخاذ رویکردی محتاطانه و مبتنی بر «مدیریت مالی دقیق» و ارائه «حمایت‌های هدفمند» تأکید می‌ورزد. این نهاد پیشنهاد می‌کند که یارانه‌ها و کمک‌های مالی دولت‌ها باید به جای پوشش عمومی و ناکارآمد، به طور دقیق بر اقشار و بخش‌های واقعاً آسیب‌پذیر و نیازمند متمرکز شود تا از هدررفت منابع و ایجاد اعوجاج در بازار جلوگیری گردد. بنابراین، پیام اساسی صندوق بین‌المللی پول این است که تنش‌های اخیر در غرب آسیا، یک «تست استرس» (آزمون فشار) حیاتی برای اقتصاد جهانی و نظام مالی بین‌المللی به شمار می‌رود. کشورهایی که دارای سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی مضبوط، ذخایر ارزی قابل‌انکاد، راهبردهای مؤثر برای تنوع‌بخشی به منابع انرژی و سیستم‌های حمایتی اجتماعی هستند و کارآمد هستند، شانس بیشتری برای عبور سالم از این دوره پرریسک خواهند داشت. در مقابل، دولت‌هایی که با چالش‌های ساختاری مانند بدهی بالا، کسری بودجه مزمن، و وابستگی شدید به واردات انرژی دست و پنجه نرم می‌کنند، بدون انجام اصلاحات اساسی و بنیادین، پیش از آنکه بتوانند بحران را مدیریت کنند، با تشدید بدهی مواجه می‌شوند. در این میان، اقتصادهای نوظهوری که بدهی‌های خارجی قابل‌توجهی دارند، بیش از سایرین در معرض خطر خروج سرمایه و کاهش ارزش پول ملی خود قرار می‌گیرند، که این امر تورم وارداتی را تشدید کرده و فشار بر ذخایر ارزی را افزایش می‌دهد. پیامدهای این وضعیت می‌تواند شامل کند شدن شدید رشد اقتصادی، افزایش بیکاری، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و کاهش توانایی دولت‌ها در ارائه خدمات اساسی به شهروندان باشد. به طور خلاصه، افزایش نرخ بهره جهانی، در کنار فشارهای تورمی ناشی از بحران‌های انرژی، اقتصادهای بدهکار را در معرض یک «طوفان کامل» قرار داده است که نیازمند مدیریت دقیق، سیاست‌گذاری‌های هوشمندانه و احتمالاً بازنگری در استراتژی‌های بدهی و تأمین مالی است تا از سقوط در ورطه بحران‌های بودجه‌ای و مالی جلوگیری شود.

#### شوک انرژی در کمین اقتصاد جهان:اثرات اختلال در مسیرهای حیاتی نفت

جهان امروز در آستانه‌ای یک دوراهی نفس‌گیر اقتصادی قرار گرفته است؛ جایی که هر لرزش در مناطق پر تنش ژئوپلیتیکی، می‌تواند امواج سهمگینی را در بازارهای جهانی انرژی به راه اندازد و اقتصادهای شکننده را بیش از پیش به ورطه بحران بکشاند. درگیری‌های اخیر در غرب آسیا، این بار نه تنها بر امنیت منطقه‌ای، بلکه بر نبض حیاتی اقتصاد جهانی، یعنی تأمین انرژی، سایه افکنده است. تنگه هرمز، این گذرگاه آبی استراتژیک که جریان حیاتی صدها میلیون بشکه نفت در روز را در خود جای داده، اکنون به کانون توجهی تبدیل شده که هرگونه اختلال در آن، می‌تواند سناریوی «شوک انرژی» را به طرز چشمگیری محقق سازد. این شوک، صرفاً به معنای افزایش قیمت نفت خام نخواهد بود؛ بلکه زنجیره‌ای از اثرات دومنویی را آغاز خواهد کرد که از هزینه‌های حمل‌ونقل آغاز شده و تا تولید مواد غذایی و تورم فراگیر گسترش می‌یابد. اقتصادهایی که پیش از این نیز با چالش‌های تورمی ناشی از پاندمی و جنگ اوکراین دست و پنجه نرم می‌کردند، اکنون با چشم‌انداز بازگشت تورم مزمن و پایدار روبرو هستند. این پدیده، پیش از آنکه یک بحران اقتصادی صرف باشد، آزمونی برای تاب‌آوری نظام مالی و اقتصادی بین‌المللی است؛ آزمونی که در آن، کشورهایی با بدهی‌های بالا و اتکای بیش از حد به واردات انرژی، در خط مقدم آسیب‌پذیری قرار می‌گیرند و در معرض فشاری مضاعف برای بازپرداخت بدهی‌ها و تأمین کسری بودجه قرار خواهند گرفت.

پیامدهای اختلال در مسیرهای حیاتی نفت، به ویژه از منظر تنگه هرمز، ابعادی فراتر از محاسبات اقتصادی صرف دارد و جغرافیای سیاسی را مستقیماً با جغرافیای تورم و بدهی جهانی گره می‌زند. در صورتی که تنش‌ها در این منطقه تشدید یابد و جریان عادی نفتکش‌ها مختل شود، نه تنها عرضه جهانی با کمبود مواجه خواهد شد، بلکه پیامدهای آن به سرعت به افزایش قیمت‌ها در تمامی بخش‌های مرتبط با انرژی تسری خواهد یافت. این افزایش قیمت‌ها، خود محرک تورم خواهد بود و بانک‌های مرکزی را در یک وضعیت دشوار قرار می‌دهد؛ یا باید با افزایش نرخ بهره، به مهار تورم بپردازند که این امر هزینه بدهی دولت‌ها و کسب‌وکارها را افزایش می‌دهد و رشد اقتصادی را کند می‌کند، یا باید در برابر فشار تورم تسلیم شوند که این خود منجر به کاهش قدرت خرید و بی‌ثباتی اقتصادی خواهد شد. کشورهای در حال توسعه که غالباً دارای بدهی‌های خارجی قابل توجه و زیرساخت‌های انرژی شکننده هستند، در این سناریو بیشترین آسیب را متحمل خواهند شد. کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمومی، کند شدن روند توسعه، تشدید نابرابری‌های اجتماعی و حتی احتمال بروز ناآرامی‌های سیاسی، از جمله پیامدهای پیش‌بینی شده در صورت عدم مدیریت صحیح این بحران است. صندوق بین‌المللی پول به درستی تأکید دارد که این وضعیت، یک «آزمون استرس» واقعی برای توانایی کشورها در مدیریت بحران‌های همزمان است؛ جایی که سیاست‌گذاری‌های مالی و پولی محتاطانه، ذخایر ارزی قوی و انعطاف‌پذیری در تأمین انرژی، می‌تواند تعیین‌کننده تفاوت میان بقا و سقوط باشد. این چشم‌انداز، لزوم بازنگری در استراتژی‌های انرژی و مدیریت مالی را بیش از هر زمان دیگری برجسته می‌سازد.

#### اقتصادهای بدهکار زیر فشار جدید:افزایش نرخ بهره و ریسک بحران بودجه

اقتصادهای بدهکار در سراسر جهان، با تشدید تنش‌های ژئوپلیتیکی و پیامدهای ناگزیر آن بر بازارهای جهانی انرژی، با موجی جدید از فشارهای اقتصادی روبرو شده‌اند که ثبات بودجه‌ای و مالی آن‌ها را به طور جدی تهدید می‌کند. افزایش دوباره قیمت حامل‌های انرژی، که یکی از اصلی‌ترین پیامدهای مناقشات در مناطق تولیدکننده نفت است، نه تنها هزینه‌های عملیاتی صنایع و زندگی روزمره خانوارها را افزایش می‌دهد، بلکه به طور مستقیم بر نرخ تورم جهانی تأثیر می‌گذارد. در واکش به این تسورم فزاینده، بانک‌های